



چهاردهمین سالگشت ۱۹ بهمن

ششمین سالگشت ۲۲ بهمن

مردم ایران علیه جنگ



- ۳ - رژییم در مرداب جنگ
- ۸ - همه چیز در تنور جنگ
- ۱۱ - جنگ طلبی رژییم در خدمت چپا ولگران گران بین المللی
اسلحه
- ۱۳ - خسارات و بودجه جنگ
- ۱۶ - ادامه جنگ به حساب دسترنج کارگران
- ۱۹ - کارگران علیه جنگ
- ۲۲ - دهقانان علیه اعزام به جبهه‌ها
- ۲۵ - جوانان قربانیان اصلی جنگ
- ۲۸ - قانون "خدمت و وظیفه عمومی" در خدمت کشتار جوانان
- ۳۰ - وضع فلاکت‌بار آوران جنگی
- اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
- ۳۳ - "هفته جنگ" را به هفته مبارزه در راه صلح تبدیل کنیم

از گزارش هیئت سیاسی به پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان
خلق ایران (اکثریت)

" حکومت برای شعله ور نگهداشتن آتش جنگ به هر قیمت هر روز دردهای تازه ای بر دردهای مردم می افزاید. جنگ ایران و عراق به تشویق و تحریک امپریالیسم آمریکا و توسط رژیم صدام با هدف صدور ضدانقلاب و تجزیه کشور آغاز شد، اما مقاومت دلیرانه مردم ما این هدفها را خنثی کرد و سرانجام پس از ۲۰ ماه نبرد قهرمانانه در سوم خرداد ۱۳۶۱، به پیروزیهای قطعی در دفع تجاوز دست یافت. اما با این وجود، آیت الله خمینی با این حساب که می تواند مردم ما را که در جشن فتح خرمشهر عالیترین احساسات میهن پرستانه را به نمایش گذاشتند، در راه آماجهای مداخله گرانه بسیج کند، علیرغم هشدارهای مسئولان و میهن پرستانه ما، فرمان ادامه جنگ تا سرنگونی صدام را صادر کرد و بدین گونه انقلاب و کشور را در مسیر توطئه های قرار داد که امپریالیسم و ارتجاع منطقه تدارک دیده بودند. اما همانطوریکه پیش بینی می شد، حسابهای او غلط از آب درآمد و طولی نکشید که جنگ شکل فرسایشی و بی سرانجامی بخود گرفت."

" اکنون هر روز بر عمر جنگ افزوده می شود، موضع کشور ما در تامین منافع و حقوق ملی، ضعیفتر و حضور مداخله امپریالیسم آمریکا در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند، بیشتر می شود. ارتجاع حاکم که خود را دربرپایی جمهوری اسلامی در عراق ناتوان می یابد با اینکه می فهمد دستیابی به هدفهایی که از ادامه جنگ فراروی خود قرار داده بود شکست خورده است، تلاش می کند تا با شعله ور نگهداشتن آتش جنگ، این شکست را پنهان سازد. ادامه جنگ در حال حاضر از یک سو وسیله کنار آمدن با ارتجاع منطقه و غرب و از سوی دیگر در خدمت پنهان کردن خیانتها و جنایات بی شمار ارتجاع از مردم قرار گرفته است."

رژیم در مرداب جنگ .

در ششمین سالگرد انقلاب بهمن، آتش جنگ جنایتکارانه ایران و عراق همچنان زیانہ می کشد. آیت اله خمینی بعد از پنج سال مرگ و ویرانی با ردیگروبی پرده ترازمییشه از "مواهب" و "برکات" جنگ برای جمهوری اسلامی سخن می راند و مخالفت با "ادامه جنگ" را مخالفت با "قرآن" قلمداد کرده و شعار جنگ جنگ همیشه جنگ را سرمی دهد و از جوانان می خواهد که هستی خود را بسوزانند تا تنور جنگ گرم بماند. آیت اله خمینی زمانی این سخنان را بر زبان می راند که جنگ در جبهه ها به بن بست رسیده و مخالفت با ادامه جنگ ابعا دجدیدی پیدا کرده و به درون حکومت نیز کشیده شده است. آیت اله خمینی برای فروکشاندن موج مخالفت مردم با جنگ و بسیج نیروهای جوان جهت گسیل به جبهه ها، با ردیگر بر عقاید مذهبی مردم دست گذاشته و کوشید تا ثابت کند که نه تنها در اسلام و قرآن، بلکه در همه ادیان جهان جنگ بعنوان یک رحمت الهی ستوده شده است. آیت اله خمینی می گوید:

"کسانیکه تبعیت از قرآن می کنند در نظر داشته باشند تا آنجا بیکه قدرت دارند نبرد کنند" و اضافه می کند: "آنها بیکه با ما مخالف هستند بگویند جنگ مخالف قرآن است، بلکه این موافق قرآن است" و اگر کسی بگوید ما جنگ نکنیم، مخالف قرآن است" (سخنان اخیر آیت اله خمینی در دیدار با سران جمهوری اسلامی). آیت اله خمینی حتی با رافراتر می گذارد و به اصطلاح برای "دفع فتنه" جنگ به عالم تجویز می کند. او می گوید در همه عالم باید جنگ باشد و جنگ ادامه یا بد تا به اصطلاح "فتنه" از بین برود. ایشان و پیروانشان گویی نمی دانند که پلیدترین و خبیث ترین و ضد مردمی ترین فتنه در عالم امروز جنگ است و فقط بانیان اصلی فتنه یعنی جنگ افروزان امپریالیست جرئت می کنند از جنگ و جنگ افروزی در عالم حرف بزنند. امروز فقط امپریالیستهای

جنگ افروز و بطور مشخص امپریالیسم آمریکا است که به خود جرئت می‌دهد تا با درپیش گرفتن سیاستهای جنگ افروزانه با هستی میلیاردها انسان بازی کند.

جنگ افروزیهای رهبرای جمهوری اسلامی تاکنون سبب مصائب و فجایع بیشماری بر مردم و میهن ما شده است. ایران تاکنون بیش از ۱۵۰ هزار کشته، حدود ۲۵۰ هزار نفر مجروح و معلول، در حدود ۱۷ هزار تن اسیر و ۱۰ هزار تن مفقود الاثر و بیش از ۲ میلیون آواره جنگی و بیش از ۲۵۰ میلیارد دلار خسارت اقتصادی داشته است. "در پنج استان، بخش اعظم تولیدات خوابیده و چندین شهر مهم و صدها روستای کشور ویران شده است. مطابق گفته رییس جمهوری اسلامی طی سه سال، از سال ۶۰ تا پایان سال ۶۲ مبلغ حدود ۱۳۰۰ میلیارد ریال صرف جنگ شده که اگر هزینه در نظر گرفته شده در بودجه سال ۶۳ رانیز بیا فزاییم به رقم نجومی ۱۷۷۰ میلیارد می‌رسد." (از گزارش هیات سیاسی به پلنوم مهرماه)

سردمداران جمهوری اسلامی، از میزان ۲۸۷۵/۵ میلیارد ریال هزینه‌های اصلی بودجه سال ۶۴، مبلغ ۱۱۸۵/۵ میلیارد ریال یعنی ۴۱ درصد بودجه را به هزینه‌های جنگ اختصاص داده‌اند، در حالی که بودجه آموزش و پرورش یک سوم بودجه نظامی است. این مبالغ کلان به جیب سوداگران اسلحه و تاجر بزرگ می‌رود.

با تداوم جنگ فرسایشی بر میزان وابستگی اقتصادی و تسلیحاتی کشور ما به انحصارهای بین‌المللی افزایش یافته است. ادامه جنگ بدون دستیابی به سلاحهای مورد نیاز زجبه‌ها مقدور نیست. رژیم چوب حراج بر نفت کشور ما زده و با درآمد ناشی از فروش ارزان نفت تجهیزات مورد نظر خود را از انحصارات بین‌المللی و صهیونیست‌ها تهیه می‌کند. غرضی وزیر نفت در این باره می‌گوید: "امروز مردم ما در حال جنگیدن هستند و برای این منظور باید نفت فروخت تا بتوان جنگید. ما قیمت نفت را ۳ دلار پایین آوردیم" (کیهان ۱۶ خرداد ۶۳). اگر صا در ات نفت را روزانه ۲/۵ میلیون بشکه به حساب آوریم هر روز ۷/۵ میلیون دلار و در سال دو میلیارد و هفتصد و سی و هفت هزار دلار تنها از طریق ارزان‌فروشی فوق برنامه نفت، از ثروت ملی به جیب انحصارات نفتی سرازیر می‌شود. انحصارهای غارتگر هم از خرید نفت ارزان قیمت و هم از فروش سلاحها با قیمت‌های چندبرابر بیشتر سود می‌برند.

جنگ به منافع آزمندانانه تاجر بزرگ خدمت کرده و می‌کند. تاجر بزرگ در این جنگ خانما نسوز با احتکار و افزایش سرسام‌آور قیمت کالاها و به بهای فقر و فلاکت توده‌های مردم، جیبهای خود را انباشته و سودهای کلان و بیسابقه‌ای به دست آوردند و جنگ موجب تثبیت و تحکیم موقعیت این غارتگران و تیره‌روزی زحمتکشان شده است. صانعی یکی از مرتجعین می‌گوید: "فرزندان ما شهید شده‌اند تا مالکیت محترم ما باشد."

رژیم جمهوری اسلامی جنگ را وسیله سرکوب نیروهای مترقی و نابودی آزادیهای دمکراتیک قرار داده است. حکام مرتجع بستان و یزقرا ردا دن جنگ و اولویت بخشیدن به آن، مبارزات حق طلبانه کارگران و زحمتکشان را به خون می کشند.

جنگ بر اقتصاد میهن ما و بر زندگی توده های زحمتکش اثرات ویران کننده گذاشته است. کسربودجه کشور از سال ۱۳۵۹ تا آخر سال ۱۳۶۳ بر اثر ادامه جنگ به رقم نجومی ۴۵۲/۴ میلیارد تومان رسیده است. هم اکنون حدود ۴ میلیون بیکار آشکار و پنهان که ۲۷ درصد نیروی فعال می باشد، وجود دارد. به اعتراض نخست وزیر: "ضربه ناشی از جنگ تحمیلی علاوه بر کاهش تولید داخلی، اختلالات قابل ملاحظه ای نیز در امکانات زیربنایی مانند خطوط لوله نفت، توزیع سوخت، پالایشگاهها، بنادر، امکانات حمل و نقل زمینی، بین شهری و هوایی و دریایی، تولید و انتقال نیرو ایجاد نموده است." (اطلاعات - ۱۵ مرداد ۶۳)

* * *

رژیم جمهوری اسلامی با وجود حملات مکرر نتوانسته است در جبهه ها به پیروزی چشمگیری برسد. آخرین تهاجمات وسیع به نام "الفجر" و "۵ و ۶" و "خیبر" که با هدف محاصره بصره و تصرف شهرهای "العمار" و "القرنه" و نیز جاده استراتژیک "بصره - العماره - بغداد" برنامه ریزی شده بودند، علیرغم ضایعات و تلفات وسیع نتوانسته به اهداف خود برسد.

به دنبال این تهاجمات، رژیم عراق با اتخاذ سیاست منطقه ای کردن جنگ کوشید که دولت های خلیج فارس را در مقابل جمهوری اسلامی قرار دهد و عرصه جنگ را از خاک عراق که آسیب پذیر بود، به خلیج فارس و به هوا و دریا بکشد. رژیم عراق با بمباران مداوم کشتیهای حامل نفت و کالا تلاش نمود که راه صدور نفت ایران را به بند و اقتصاد ایران را فلج کند. رژیم عراق کوشید تا دولت ایران را در سطح منطقه و جهان منزوی کند و با وارد آوردن فشار بین المللی و با فلج کردن اقتصاد ایران، رهبران جمهوری اسلامی را مجبور کند که آتش بس را بپذیرند و به پای میز مذاکره بنشینند. گرچه رژیم عراق با اتخاذ این تاکتیک توانست حمایت وسیع ترین بخشی از رژیمهای مرتجع عرب را جلب کند و موجب کاهش صدور نفت ایران بشود، ولی موقعیت چشمگیری به دست نیاورد. رژیم جمهوری اسلامی علیرغم اینکه کوشید عرصه جنگ را از خلیج فارس و از هوا و دریا به خشکی انتقال دهد، عملاً با ادامه جنگ شرایط را برای بسط بحران در خلیج فارس فراهم کرد.

از تاکتیک ما جراجویانه حمله به کشتیهای تجاری و نفتکش و گسترش جنگ به خلیج فارس، تنها امپریالیسم آمریکا و متحدین آن سود بردند. دولت ریگان با دادن به بحران خلیج فارس حضور نظامی خود را در این منطقه گسترش داد. آمریکا برای اولین بار طی اعلامیه ای

خطاب به کشورهای منطقه برای ناوگان خود در خلیج فارس حریم تعیین کرد و رسماً اعلام نموده و ایماهایی که بر فراز خلیج فارس و دریای عمان در ارتفاع کمتر از ده هزار پیرا می‌کنند، حق پرواز بر فراز ناوهای آمریکایی تا شعاع ۵ میلی‌نادرند و بدین وسیله آمریکا رسماً مدعی حاکمیت بر بخشی از آبهای خلیج فارس و دریای عمان شد. آمریکا تجهیزات مدرن و مجهز از جمله موشکهای استینگر در اختیار رژیم ارتجاعی عربستان سعودی قرارداد.

رژیم جمهوری اسلامی بعد از تهاجمات "والفجر" ۵ و ۶ و "خیبر" نتوانسته است به تهاجم وسیع دیگری دست بزند. گرچه نیروهای نظامی حکومت اخیراً در مناطق میمک به عملیات جدید دست زدند ولی می‌توان گفت نزدیک به یک سال است در جبهه‌های جنگ تحرکی وجود ندارد.

اکنون وضعیت در جبهه‌ها چنان است که رژیم توان دست‌یازیدن به یک تعرض وسیع را بدون تحمل ضربات و زیانهای سنگین ندارد. رژیم همانند سابق قادر نیست که جوانان را بسیج کرده و آنها را موج‌وار به مقابله با نیروهای عراق که به سلاحهای مدرن مجهز شده‌اند، بفرستد. روحیه ضد جنگ در بین اقشار و طبقات مختلف جامعه اوج گرفته است و فریاد اعتراض مردم علیه جنگ ویرانگر روز بروز بلندتر می‌شود. حکومت با ادامه جنگ با بحران اقتصادی جدی مواجه شده است. کسری بودجه دائماً افزایش می‌یابد، تورم بیداد می‌کند و زندگی مردم به فقر و فلاکت بیشتری کشیده می‌شود. فشار بین‌المللی برای وادار کردن رهبران رژیم برای ترک مخاصمه و پذیرش صلح افزایش یافته است.

وقفه یک ساله در جبهه‌ها به خوبی نشان می‌دهد که ماشین جنگی رژیم در مرداب فرورفته و رهبران جمهوری اسلامی در بن بست فرساینده‌ای گرفتار آمده‌اند. آنان از یک سوق قطع جنگ را شکست بزرگ برای رژیم و از دست رفتن رویاهای کذایی خود تلقی می‌کنند و پاسخی برای مردم در مقابل اینهمه کشتار در میدانهای جنگ ندارند و از سوی دیگر قادر به پیشروی و فتح نیستند.

رهبری جمهوری اسلامی از یک طرف کلید خروج از بن بست فرساینده را نزد کشورهای غربی و دول عربی منطقه جستجو می‌کنند و از طرف دیگر بر تدارک و آما دگی خود جهت تعرض بعدی می‌افزایند ولی "هر روز بر عمر جنگ افزوده می‌شود، موضع کشور ما در تائید منافع و حقوق ملی، ضعیف‌تر و حضور و مداخله امپریالیسم در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند بیشتر می‌شود" (از گزارش هیات سیاسی به پلنوم مهرماه ۶۳). رژیم با ادامه جنگ، بیش از پیش در مرداب جنگ توسعه طلبانه و ارتجاعی فرو می‌رود.

مردم میهن‌مانه تنها وقتی به دعوت‌های مکرر آیت‌الله خمینی و سایر رهبران رژیم برای گرم نگه داشتن تنور جنگ نمی‌گذارند، بلکه به جبهه‌ها کمک نمی‌کنند، جوانان و وسیعاً از رفتن به جبهه سر باز می‌زنند.

کا رگران نسبت به اختصاص یک روز حقوقشان به جبهه‌ها اعتراض می‌کنند، سربازان از جبهه‌ها فرار می‌کنند، پرسنل نظامی ناراضی خود را از ادا مه‌جنگ آشکار می‌سازند. پدران و مادران از اعزام فرزندان خود به نظام وظیفه جلوگیری می‌کنند. مردم صدای اعتراض خود را علیه جنگ روز بروز بلندتر می‌کنند.

www.iran-archive.com

همه چیز در تنور جنگ

رهبان جمهوری اسلامی برای پیشبرد جنگ ویرانگر، بخش اعظم بودجه کشور، امکانات وزارتخانه‌ها، نهادهای صنایع کشور، نیروی متخصص، ارز، بنادر، وسایل حمل و نقل و خلاصه همه چیز را در خدمت جنگ قرار داده‌اند.

* نخست وزیر (اطلاعات - ۱۷ آبان ۶۱):

"امکانات دولت در اختیار جبهه‌هاست، من فقط اشاره به ماشین آلات سنگین در سطح کشوری کنم. در یک سال پیش جبهه‌ها هر وقت ماشین آلات سنگین خواستند، ما از همه جا جمع کردیم و به جبهه‌ها گسیل داشتیم."

* نخست وزیر (اطلاعات - ۱۲ شهریور ۶۲):

"در شرایط حساس جنگی که درآمدهای ارزی ما محدود بود، با طرح مناسبی که ریختیم قسمت اعظم ارز در خدمت جنگ که تعیین کننده سرنوشت مردم مسلمان جهان است، قرار گرفت."

* رفسنجانی (جمهوری اسلامی - ۲۵ تیر ۶۳):

"خیلی از امکانات که باید صرف رفاه مردم بشود، صرف جنگ میشود. بندر ما، آرز ما، تولید ما، و خیلی چیزها که میتوانند در کاهش تورم موثر باشند در خدمت جنگ است. نظرم همین است که تا جنگ باشد امکان مهار کردن تورم بسیار دشوار است."

* ناطق نوری (جمهوری اسلامی - ۳۱ تیر ۶۳):

"واقعاً حقوق پرسنل درجه دار و کارمندان با این مشکلات کم است و اگر ما نیز بخواهیم روی حقوق کارمندان تجدید نظر بکنیم، با توجه به اینکه بودجه هم‌اکنون کم شده، چند میلیاردها اضافه شود و با فشار و مشکلات جدید روبرو می‌شویم زیرا ما در حال جنگ هستیم و جنگ

نیز خرج سرسام آوری دارد. خرج جنگ بالای ۸۰ میلیارد تومان است که اگر ادامه پیدا کند باز بودجه جاهای دیگر زده شود و خرج جنگ گردد.

* بانکی وزیر مشا و روسرپرست بر نامه و بودجه (اطلاعات - ۲۴ تیر ۶۳):
"هیچ محدودیتی در تامین نیازهای جنگی و تشکیلات وابسته به جبهه‌ها وجود ندارد"

* بهزاد نبوی وزیر صنایع سنگین (کیهان - ۱۸ بهمن ۶۲):
"در حال حاضر تمام صنایع کشور در خدمت جنگ و فعالیت‌های جانبی آن می باشد"

* ناطق نوری (کیهان - ۲۷ آذر ۶۲):
"حتی شاید به جایی برسیم که همه کارهای عمرانی کشور را تعطیل کنیم و فقط اندازه خرج زندگی در حداقل ممکن که تنها مردم به مانند بودجه در داخل صرف کنیم و بقیه بودجه صرف جنگ شود و این پیش‌بینی را دولت داردمی کند."

* وزیر راه و ترابری (کیهان - ۳ مهر ۶۲):
"راه آهن نیز با توجه به تمامی مشکلات و بر اساس اولویت جنگ بر همه امور جاری، اهم فعالیت خود را در اختیار جبهه‌های جنگ قرار داده است که موجب بروز کمبودهایی در زمینه‌های دیگر شده است"

* وزیر بهداری (کیهان - ۳ آبان ۶۲):
"از قبل از انقلاب و بعد از انقلاب حتی یک وسیله هم برای وزارت بهداری خریداری نشده است و تمام خودروهای وزارت بهداری راهم که زیر پای افراد بوده است تبدیل به آمبولانس کرده ایم و به جبهه فرستاده ایم که وزارت بهداری هر چه از روزیک آمبولانس در جبهه از دست داده است و بدون وسیله نقلیه نیز نمی توان به راحتی با بیماران مبارزه کرد"

* رفسنجانی (کیهان - ۵ خرداد ۶۳):
"بخش عظیمی از کادر پزشکان بیمارستان‌ها را به مجروحان جنگی می دهیم."

* جعفری وزیر بازرگانی (کیهان - ۱۳ مرداد ۶۳):
"نخستین اولویت در وزارت بازرگانی تامین نیازهای جبهه‌های جنگ است."

* طباطبائی سرپرست بنیاد مستضعفان (جمهوری اسلامی - ۲۱ مرداد ۶۳):
"کلیه مسئولین استانها، شرکتها، کارخانجات و واحدهای تجست پوشش بنیاد مستضعفان موظف به ایجاد دفتر پشتیبانی جنگ شدند."

* وزیر سابق آموزش و پرورش (کیهان - ۲۵ اسفند ۶۲):
"حدود ۱۲۰ هزار نفر از معلمان بین ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ تومان حقوق

دریافت می دارند که با توجه به سطح مزایا در سایه روز ارتخانه ها حقوق کمی دریافت می دارند که البته این امر بر همه روشن است از امام بزرگوار تا نخست وزیر... ولی در حال حاضر به علت شرایط جنگی و نابسامانی ها موجودا مکان افزایش حقوق و مزایا مقدور نیست!

* شهردار تهران (اطلاعات - ۸ آذر ۶۲):

چون مساله اصلی جنگ می باشد، مردم باید امکانات خود را در این رابطه مصروف ساخته و برخی نارسایی های ناشی از آنرا تحمل کنند. چنانچه شهرداری تهران نیز علی رغم کمبود ماشین آلات خدمات شهری و امکانات فنی، قسمت مهمی از این امکانات را به جبهه ها ارسال داشته است.

* پرومندی رییس فدراسیون وزنه برداری (اطلاعات - ۲۵ شهریور ۶۲):
"مسایل مختلف بویژه مساله جنگ و محاصره اقتصادی خواه ناخواه مانع سرمایه گذاری مفید در این زمینه ها (ورزش و شرکت ورزشکاران در مسابقات جهانی) بود."

رژیم جمهوری اسلامی همه چیز مملکت را در تنور جنگ می سوزاند و می خواهد تمام مملکت را ویران کند. نخست وزیر در آبان ماه سال ۶۲ گفت: "جنگ تا وقتی که حتی تمام مملکت ویران شده و یک آجر روی آجر نماند ادامه خواهد یافت."

برای پایان دادن به جنگ و ویرانی

علیه ارتجاع حاکم

مبارزه کنیم!

فدائیان - اکثریت

جنگ طلبی رژیم در خدمت چپاولگران بین‌المللی اسلحه

دلالتان بین‌المللی اسلحه از تداوم جنگ هستی‌سوز، سندهای سرشاری را به جیب می‌زنند. این دلالتان یکی از پیل‌های ارتباطی رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم جهانی هستند. امپریالیسم آمریکا بطور حساب شده دست این دلالتان را بازمی‌گذارد تا سلاحها و قطعات یدکی تجهیزات نظامی آمریکا را باقیمت‌های چندبرابر قیمت واقعی به دولت جمهوری اسلامی بفروشند. اسناد خرید سلاح از دلالتان بین‌المللی وابسته به امپریالیسم و حتی رژیم صهیونیستی اسرائیل هر از چندگاه در مطبوعات خارجی منعکس می‌شود. رژیم همواره تلاش می‌کند که منابع تهیه سلاحهای جنگی مکتوم بماند. ولی رژیم در مورد خرید سلاح آنقدر رسوا شده است که در مواردی دولت مردان ایران نیز مجبور به اعتراف می‌شوند. سرهنگ سلیمی وزیر سابق دفاع در جلسه رای اعتماد دبه‌کا بینه موسوی گفت: "ما هر معامله‌ای که داریم با واسطه‌ها و با شرکتهاست و آن مشروط بر اینکه کشور ساکننده و آن شرکت اجازه خروج را بدهد." (اطلاعات - ۲۴ مرداد ماه ۶۳). یکی از نمایندگان مجلس در جلسه رای اعتماد دبه‌نخست وزیر گفت: "ما برای "خرید سلاح" جذب بازارهای خارجی شده ایم و باعث ثروتمندتر شدن دلالتان و سرمایه‌داران وابسته به صهیونیسم گشته ایم" (کیهان - ۲۳ مرداد ۶۳). این اعتراف نشان می‌دهد که چگونه ارز حاصل از فروش ارزان قیمت نفت را به جیب دلالتان و سرمایه‌داران وابسته به صهیونیسم می‌ریزند و موجب ثروتمندتر شدن آنها می‌شوند.

نمونه‌های زیر گوشه‌ای از معاملات رژیم با دلالتان فروش اسلحه است: روزنامه لوس آنجلس تایمز در ماه اوت سال گذشته (۱۹۸۴) خبری در مورد محاکمه شخصی به نام "بنجامین کاشفی" که دلال فروش اسلحه به جمهوری اسلامی است، منتشر ساخت. براساس این خبر، شخص مذکور در سالهای ۸۳-۱۹۸۲ مبلغ ۱۲ میلیون دلار و سایر یدکی نظامی -

ایران صادر نموده است. صدور اسلحه تحت پوشش ارسال اتومبیل و جراثیق به سوئیس انجام پذیرفته است. قسمت اعظم قطعات تحویل شده وسایل یدکی تانکهای M-60، خودروهای زرهی و توپهای هویتزر M-109 می باشد. بنا به گفته دادستان "سن دیه گو" کاشفی از طریق دو شرکت متعلق به خود، معاملات اسلحه را انجام می داده است. تجهیزات نظامی بعد از خریداری شدن از منابع اصلی از "سن دیه گو" بسته بندی شده و از کانال یک شرکت سوئسی به ایران حمل می شده اند. از معامله ۱۲ میلیون دلاری جمعاً بطور خالص ۴ میلیون دلار عاید کاشفی گردیده است.

در همین موقع در ایتالیا محاکمه یک گروه از اعضای سیا به جرم استفاده غیر مجاز از خاک این کشور برای ارسال اسلحه به ایران جریان داشت. بنا به نوشته روزنامه الوطن (روزنامه کویتی) یک گروه ۱۲ نفره از ماموران سیا در پی رسیدن به توافق با جمهوری اسلامی برای تحویل دادن تانک M-60، هلی کوپتر، ناو جنگی و ۲۰ فروند جت F-16 به این رژیم، از خاک ایتالیا برای صدور این تجهیزات به ایران استفاده می کرده اند.

www.iran-archive.com

خسارات و بودجه جنگ

جنگ برای مردم مین ما ارمغانی جز مرگ، ویرانی و آوارگی نداشته است. هر روز که بر عمر جنگ افزوده می شود عده بیشتری از جوانان به خون کشیده می شوند، ویرانی بیشتری بوجود می آید، بر عده آوارگان افزوده می شود و میزان بیشتری از ثروت ملی و دسترنج زحمتکشان بهدر می رود. پیکره های زیر واقعیت های دردناک ورنج آور جنگ ویرانگر را بعیان نشان می دهد.

شمار تقریبی کشته های ایران و عراق	۳۰۰۰۰۰۰ نفر
آوارگان جنگی	" ۲۰۰۰۰۰۰
شمار معلولین و کم شدگان	" ۱۵۰۰۰۰۰

کمیسیون اقتصادی برآورد خسارات جنگ، در گزارشی که در اوایل امسال منتشر ساخت اعلام نمود که "کل خسارات وارده تا پایان سال ۶۱، به ۱۶۳ میلیارد و ۶۹۶ میلیون و ۷۵ هزار دلار بالغ شده است (اطلاعات - ۳ تیر ۶۳) . مطابق این گزارش فقط خسارات وارده به چند بخش

اقتصادی چنین است :

بخش اقتصادی	میزان خسارت
کشاورزی	۴۰/۷ میلیارد تومان
نفت	۵۳/۷ " "
ساختمان و مسکن	۲/۹ " "
صنایع	۸/۲ " "
نیرو	۳/۷ " "

این آمار نشان می دهد که مصائب و خسارات وارده به مردم میهن ما و مردم عراق آنچنان عظیم است که نه تنها نسل کنونی، بلکه نسلهای آتی هر دو کشور باید سالها تاوان آنرا بپردازند و عفریت جنگ آنچنان نیروی جوان و کارآی میهن ما را به کام خود می کشد و کشور ما را به ویرانه بدل می سازد که بازسازی، آن به قیمت رنج بیشمار میلیونها زحمتکش تمام خواهد شد.

هر سال بخش اعظم بودجه کشور ما صرف ادا ماه جنگ می شود. به گفته نخست وزیر هزینه دفاعی کشور " در بودجه سال ۶۳ بیش از ۴۳ درصد از بودجه جاری را به خود اختصاص داده است، اگر سایر هزینه هایی که توسط جها دسا زندگی و استاندارد ریهها و وزارتخانهها در رابطه با مسایل دفاعی صرف می شود را نیز به این ارقام اضافه کنیم، سهم بودجه دفاعی از ۴۳ درصد کل بودجه سال جاری به مراتب بیشتر خواهد شد." (اطلاعات ۱۵ مرداد ۶۳) جدول زیر بودجه جنگ را در طی پنج سال نشان می دهد:

سال	مبلغ
۱۳۶۰	۴۷/۵ میلیارد تومان
۱۳۶۱	۴۴/۵ " "
۱۳۶۲	۳۵/۰ " "
۱۳۶۳	۴۰/۰ " "
۱۳۶۴	۴۰ " "
جمع	۲۰۷ " "

این ارقام نجومی تنها هزینه‌های مستقیم جنگ است. به گفته مرتضی الویری نماینده سابق مجلس: "ما یک قلم مشخص ۴۰ میلیارد تومان هزینه‌های جنگی داریم، اما وقتی نگاه کنیم که در جوار همان ۴۰ میلیارد تومان، هزینه‌های دیگری صورت می‌گیرد که اگر جنگ نبود، آن هزینه‌ها صورت نمی‌گرفت، ولی هزینه‌های جنگی مادر هر شبانه روز حدود ۳۱۰ میلیون تومان می‌شد، ۱۱۴ میلیارد تومان هزینه‌های جنگی سال ۶۳ برآورد شده است! (کیهان - ۱۶ اسفند ۶۲). صرف این مبالغ عظیم برای جنگ موجب شده است که هر سال دولت با کسر بودجه مواجه گردد. کسری بودجه طی سالهای ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۳ به رقم ۴۵۲/۴ میلیارد تومان بالغ شده است. دولت برای تأمین این کسر بودجه به استفاده از سیستم اعتبارات بانکی و استقراض از بانک مرکزی متوسل می‌شود. "معنای استقراض از سیستم بانکی این است که از ضعیف‌ترین افراد جامعه پول بگیریم و به سرمایه میلیاردی بیفزاییم. ما خواهیم یا نخواهیم این عمل اتفاق افتاده، بپذیریم یا نپذیریم شویم بعد از انقلاب بیش از ۶۰۰ میلیارد تومان به جیب بخش خصوصی وارد کرده‌ایم" (نادی نماینده مجلس - کیهان ۱۹ آذر ۶۲). آیت‌الله‌خینی می‌گوید: "جنگ یک نعمت و موهبت الهی است." ارقام فوق گوشه‌ای از "نعمات" مورد نظرایشان را که چیزی جز مصیبت هولناک برای کشور و فاجعه خونبار برای خلق نیست، آشکار می‌سازد.

هم‌میهن!

ادامه این جنگ برای توهیح
سودی ندارد. سود جنگ به جیب
کمیانیهای اسلحه‌سازی غرب و تجار
بزرگ بازار می‌رود. ادامه این جنگ
خانمانسوز کشور ما را ویران و جانهای
عزیز فرزندان و خویشان تورا بیشتر
بادمی دهد. علیه ادامه این جنگ
مصیبت‌بار و برای بازگرداندن صلح
به میهنمان با همه توان بکوشیم.
صلح صلح استقلال
صلح صلح آزادی



ادامه جنگ به حساب دسترنج کارگران

حکومت برای تحقق بخشیدن به امیال توسعه طلبانه خود، کارگران را از واحدهای تولیدی کنده و راهی جبهه ها میکند. ایادی رژیم علیه کارگرانی که به اشکال مختلف از رفتن به جبهه ها خودداری میکنند، انواع تضيقات را بمورد آنها میگذارند. فرمانده سپاه پاسداران منطقه ۱۰ در ارائه کارنامه ننگین خود به یک نمونه اشاره میکند: "تاکنون ۴۵ کارخانه بسیج شده و حدود ۲۰ هزار نفر از کارگران به جبهه های جنگ اعزام شده اند!"

رهبران رژیم همواره از کارگران می خواهند که برای تداوم جنگ ویرانگر و نه جبهه ها شوند، در واحدهای تولیدی اضافه کار کرده و بیشتر تولید کنند و تمام توجه خود را به طرح جنگ کنند. وزیر کار می گوید: "مسابقه اصلی ما در جبهه جنگ است و من از جامعه کارگران می خواهم که تمام همت و توجه خود را معطوف جنگ کنند" وی از مدیران می خواهد تا با اعزام کارگران به جبهه، تنور جنگ را گرم نگه دارند: "الآن خیل عظیمی از کارگران ما در جبهه های جنگ هستند و او میدواریسم این شرکت و هجوم به جبهه های جنگ از ناحیه کارگری هر چه بیشتر و شدیدتر شود و مدیران ما موظف هستند که این تنور جنگ را گرم و گرم تر نگه دارند" (کیهان - ۲۸ اسفند ۶۲).

تاکنون گرم نگه داشتن تنور جنگ موجب از بین رفتن جان هزاران کارگر شده است. ما به یک نمونه آن اشاره می کنیم: دروا حد نسبتاً کوچک ناهید اصفهان ۷ نفر، کارخانه جهان چیت ۲۲ نفر و در کارخانه ذوب آهن اصفهان ۱۲۰ نفر (تا تیر ماه ۶۲) جان خود را در جنگ توسعه

طلبانه از دست داده اند .

کارگرانی که از قربانگاههای جنگ نجات یافته و به سرکار خود برمی گردند، با برگ اخراج که توسط کارفرمایان و مدیران صادر میشود، مواجه می گردند . و مجبور می شوند به خیل عظیم بیکاران بپیوندند. در این رابطه مسئولین برای اینکه کارگران کماکان راهی جبهه ها شوند، به وعده و وعید متوسل میشوند وزارت کار موظف به جانبداری از کارگرانی هستند که برای مدتی به جبهه ها می روند و نباید این کارگران به هیچ وجه نگران از دست دادن کار خودشان باشد (کمال گنجه ای قائم مقام سابق ادارات کار - کیهان ۶ آذر ۶۲).

رژیم جمهوری اسلامی برای پیشبرد جنگ خانمانسوز از دستمزد ناچیز کارگران نیز نمی گذرد. جنگ را مانند زالوبه جان کارگران انداخته است تا از خون آنها ارتزاق کند. در شرایطی که کمر کارگران زیر فشار ناشی از گرانی و تورم و اجاره بهای سنگین مسکن خم می شود، سردمداران رژیم آشکارا اعلام می دارند که: "ما قصد نداریم کسسه دستمزدها را افزایش دهیم". (گنجه ای - کیهان ۶ آذر ۶۲) عوامل حکومت در کارخانجات با تهدید و اربابان حقوق کارگران بعنوان کمک به جبهه ها به اشکال مختلف کسرمی کنند نمودار زیر مبالغ جمع آوری شده را تنها در چند واحد تولیدی نشان می دهد:

ریال	۱۲۲۳۳۶۸	کارگران شرکت صنعتی جنرال (بهمن ۶۲)
"	۱۳۰۰۰۰۰۰	کارگران کارخانه آزمایش (بهمن ۶۲)
"	۶۵۱۲۶۰۸	کارگران شرکت صنعتی آما (دیماه ۶۲)
"	۱۵۰۰۰۰۰۰	کارگران شرکت زامیاد (اسفند ۶۲)
"	۲۰۰۰۰۰۰۰	کارگران سازمان هواپیمایی کشوری (اسفند ۶۲)
"	۱۲۷۵۸۸۵۱۲	کارگران معدن ذغال سنگ البرز (تاتیر ۶۲)
"	۱۰۰۰۰۰۰۰۰	کارگران کارخانه سیمان فارس (تا آذر ۶۲)

"مردم ایران از ادامه این جنگ متنفرند. صلح برتریست — خواست مردم است. جنبش اعتراضی علیه جنگ هر روز پر دامنه تر می شود و به فراگیرترین و نیرومندترین جنبش مطالباتی مردم فرا می روید.

صلح فراگیرترین شعاری است که می تواند مبنای همکاری همه نیروهای انقلابی، دمکراتیک و صلح دوست ایران قرار گیرد. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با تمام نیرو با استفاده از تمام ابتکارات و امکانات، در راه بسیج مردم و در راه بسط همکاری میان مدافعان صلح برای قطع جنگ و برقراری صلح میارزه می کند.

(از اسناد پلنوم مهرماه کمیته مرکزی سازمان — قطعه نامه درباره اوضاع سیاسی، جنبش توده ای و وظایف ما)

کارگران علیه جنگ

کارگران میهن مادر آغاز جنگ برای تامین استقلال کشور و دفع تجاوز رژیم صدام فعالانه در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها شرکت جسته و با ایثارگری از میهن و انقلاب دفاع کردند. کارگران در آن موقع — دا و طلبانه راهی جبهه‌ها می‌شدند، در کارخانجات برای افزایش تولید تلاش میکردند و از دستمزد ناچیز خود به جبهه‌ها کمک می‌نمودند. اما زمانی که با مقاومت قهرمانانه مردم، تجاوز رژیم صدام دفع شد و مناطقی اشغال شده آزادگشتند کارگران بدرستی به پی‌سرانجامی و بی‌هودگی تداوم جنگ پی برده و در مقابل رهبران جنگ افروز جمهوری اسلامی ایستادند.

اکنون کارگران شدیداً در مقابل کاهش حقوق خود جهت کمک به جبهه‌ها مقاومت می‌کنند. آنان دا و طلب اعزام به جبهه‌ها نمیشوند و مانع پیوستن فرزندان نشان به نیروی بسیج میگردند. این امر آنچنان نمود بارزیافته که محقق نماینده کرج در مجلس از وزیر کار خواست که آمار سال گذشته دا و طلبیان اعزام به جبهه‌ها از کارخانجات کرج را با امسال مقایسه کند و ببیند که چگونه سیر نزولی طی میکنند (کیهان ۱۶ آبان ۶۳). کارگران با عدم استقبال از هفته جنگ، بطور آشکار و چشمگیری به جنگ هستی سوز اعتراض نمودند. در این هفته کارگران تا جائیکه میتوانند از انجام اضافه کاری سرباز زدند و به رژیم جمهوری اسلامی بخاطر فشار بیش برای ادامه جنگ ناسزا گفتند. مادرزیربسه نمونه‌های مشخص مقاومت کارگران در برابر سیاست تداوم جنگ و کسر حقوقشان اشاره میکنیم:

— مسئولین کارخانه چرم سازی خسروی تبریز در هفته جنگ اعلام کردند که از استانداری بخشنا مه رسیده که کارگران بایستی از ساعت ۳ تا ۶ بعد از ظهر اضافه کاری برفع جبهه و بطور رایگان انجام

دهند. کارگران نسبت به اجباری بودن اضافه کاری اعتراض کرده و گفتند که تنها در صورت دریافت دستمزد کار خواهیم کرد. کارفرما در مقابل اعتراض کارگران مجبور به عقب نشینی شد و اعلام کرد که اضافه کاری اختیاری است. بدنبال آن اکثر کارگران زن، کارخانه را ترک می کنند.

- در کارخانه ماشین سازی اراک کم کاری آشکارا کارگران بمناسبت روز "نبرد اقتصادی" در هفته جنگ کا ملا مشهود بود. افرادی که برای اضافه کاری مشخص شده بودند عمدتاً در این روز به منازل خود رفته و از کار کردن خودداری نمودند.

- در کارخانه ایران ناسیونال روز پنجم مهر ماه امسال یکی از نمایندگان مجلس در مورد جنگ سخنرانی داشت. در حین سخنرانی اکثریت قریب به اتفاق کارگران سالن را ترک میکنند. انجمن اسلامی این کارخانه در طول هفته جنگ تلاش میکند که نمایشگاهی تشکیل دهد ولی مورد استقبال قرار نمی گیرد. از طرف انجمن اسلامی فرمی تکثیر شده و بین کارگران پخش میگردد. این فرم حاوی ۲۰ سؤال در مورد جنگ ایران و عراق بود که به سه نفر از پاسخ دهندگان جایزه تعلق می گرفته است. اکثریت کارگران واحد آنرا پاره کرده و در جلوی در اطاق انجمن اسلامی می ریزند. در همین واحد در روز "نبرد اقتصادی" اسامی افرادی را برای اضافه کاری می نویسد که این کار پیش نمی رود. کارگرانی که هر روز اضافه کاری میکردند در این روز اسم نویسی نمی کنند و تنها عده ای از اعضای انجمن اسلامی و وابستگان آنها اضافه کاری میکنند.

- در کارخانه پارس خودرو بدنبال شایع شدن رسوایی سود ویژه کارگران به جبهه ها، اعتراض دسته جمعی کارگران بالا میگیرد. مدیریت در برابر فشار کارگران تسلیم شده و سود ویژه را به کارگران پرداخت میکند.

- در کارخانه البرز از ۴۰۰ نفر کارگر زن تنها ۸ نفر حاضر شدند لیست جمع آوری یک روز حقوق را امضاء نمایند.

- در کارخانه ری. او. واک انجمن اسلامی اعلام کرد که کارگران مجبورند یک درصد از حقوق خود را به جبهه ها کمک کنند. کارگران به این تصمیم شدیداً اعتراض کردند. در نتیجه اعتراضات کارگران، این تصمیم لغو شد.

- در کارخانه تولید و تصفیه روغن تهران (اسو) مدت ها است که کمک داوطلبانه به جبهه قطع شده است. اخیراً علیرغم فشارهای موجود کارگران بکلی از کمک به جبهه ها دست کشیدند. بدنبال آن مدیر و سرپرستان، کارخانه در حالیکه لیست اسامی کارگران را در دست داشتند به تک

تک آنها مراجعه کرده با خواهش و تهدید و تمنا از آنها خواستند برای جبهه کمک مالی بدهند. آنها حتی به دریافت مبلغ ناچیز هم راضی شدند.

"جنگ اکنون در عمل وسیله ویرانی ایران و سازش و تسلیم به آمریکا است. وظیفه همه ماست که با تمام نیرو، به هر طریق که می‌توانیم برای قطع جنگ و برقراری صلح میان دو کشور تلاش کنیم. این مهمترین وظیفه ملی و میهن پرستانه شما کارگران و همه مردم ایران است. به جبهه‌ها کمک نکنید از رفتن به جبهه خودداری کنید. از هر امکانی برای تبلیغ علیه ادامه جنگ استفاده کنید. اگر شما را به رفتن به جبهه‌ها مجبور می‌کنند باید تمام ابتکارات مفید خود را بکار بگیرید که مانع آن شوید. امسال را به سال اعتراض وسیع توده‌ای علیه ادامه جنگ تبدیل کنیم. بکوشیم صلح را به میهنمان بازگردانیم. آری مسئله اصلی صلح است."

(از پیام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به کارگران و زحمتکشان ایران بمناسبت اول ماه مه)

دهقانان علیه اعزام به جبهه‌ها

چند نمونه از میان گزارش‌ها

— سپاه پاسداران پارس آبادمغان از مدت‌ها قبل عده‌ای از جوانان روستاهای اطراف را در واحدهایی به نام هسته‌های مقاومت روستایی سازمان داده بودند تا در موقع مقتضی آنها را راهی جبهه‌ها نکنند. چندی قبل سپاه از اعضای این هسته‌ها خواست تا برای رفتن به جبهه‌ها ثبت نام نمایند. اما از میان ۳۵۵ نفر عضو رسمی این هسته‌ها که سپاه به آنها مراجعه کرده بود، حتی یک نفر هم حاضر به اعزام به جبهه‌ها نمی‌شود. به دنبال آن سپاه پاسداران این افراد را برای حضور در جلسه‌ای به شهر فرامی‌خواند. حدود صد تن از این افراد در جلسه شرکت می‌کنند. مسئولین سپاه این بار علاوه بر موعظه و نصیحت، با توسل به تهدید می‌کوشند آنها را به جبهه‌ها بکشانند. ولی این تشبث پاسداران به نتیجه نمی‌رسد و هیچ‌یک از جوانان روستایی برای رفتن به جبهه‌ها داوطلب نمی‌شوند.

— در روستاهای هولی لان و اردلان از توابع ایلام هر بار که ما مورین سرآزگیری به روستاها حمله می‌کنند، جوانان به کوه رفته و تا خروج ما مورین در همانجا می‌مانند. مسئولین محلی بمنظور وادار کردن اهالی به تحویل مشمولین خدمت و طیفه، مقررات و مجازات‌های تازه‌ای وضع کرده‌اند. آنان سهمیه خانواده‌های مشمولین و سربازان فراری را از خوار و بار سهمیه‌بندی شده قطع می‌کنند و آنان را از شرکت در قرعه‌کشی برای دریافت ابزار کشا و رزی و وسایل خانگی نیز محروم می‌کنند. با توجه به کثرت عده مشمولین فراری، تعداد قابل توجهی

از کشا و رزان این روستا مشمول این مجازات شدند، دهقانان می گویند برای چه جوانان ما باید به جبهه ها بروند و در این صورت زمینها را چه کسی باید بکار رد؟

— در روستای "چنار" از توابع خمین، ژاندارمری بخاطر اینکه جوانان ده از رفتن به سربازی خودداری می کنند و خانواده آنها از همکاری با ژاندارمها سرباز می زنند، پدران جوانان مشمول رأبازداشت و زندانی می کنند.

— در روستای "توت شامی" از توابع اسلام آباد غرب، ژاندارمری برای بازداشت جوانان مشمول و اعزام آنها به سربازی، روستا را محاصره می کند و خانه ها را یک به یک مورد بازرسی قرار می دهد. مردم که قبلاً از این جریان مطلع شده بودند، جوانان روستا را به کوه می فرستند و نسبت به اقدامات ژاندارمری اعتراض می کنند.

— در منطقه مغان روستای "لیمولو" از توابع "خروسلو" ما موران ژاندارمری برای دستگیری مشمولین به جستجوی خانه ها می پردازند. مردم جوانان را مخفی کرده و در مقابل تهدید ژاندارمری می ایستند و به ادامه جنگ خانمانسوز اعتراض می کنند. ژاندارمها اقدام به تیراندازی می نمایند. روستاییان خشمگین شده با ژاندارمها درگیری شونده و آنها را از روستا بیرون می کنند.

— در روستای "ده سد" از توابع شهرستان اراک، پاسداران همراه با ژاندارمها، پدران مشمولین را بازداشت کرده و بعد از انتقال به اراک زندانی می کنند. در زندان به مادران گفته می شود که بایست محل اختفا و زندگی فرزندان خود را بگویند، در غیر این صورت همچنان در بازداشت باقی خواهند ماند. ولی مادران در مقابل ما موریان ایستاده و نسبت به بازداشت خود اعتراض می کنند. سرانجام ما موریان مجبور می شویم مادران را آزاد کنند.

— در چند ماه اخیر پاسگاه ژاندارمری در مورد سربازگیری فشار خود را بر روی خانواده های لب دریا، ابرکیا سر، سکوکلیه (از توابع کیا شهر) افزایش داده است و حاضر خانواده های سربازان فراری به پاسگاه ژاندارمری افزایش یافته است. در این رابطه فریاد اعتراض روستاییان در مساجد و قهوه خانه ها بلند شده است. آنها می گویند:

"آخراً چرا جنگ را تمام نمی کنید"، "چرا جوانسها کشته شوند"، "با این مکافات فرزندان خود را بزرگ کرده ایم، حال بفرستیم تا بی جهت کشته شوند". فقط در روستای سکوکلایه ۲۱ سربا زبعدا زچند ماه خدمت از جبهه ها فرار کرده و در شهرهای بزرگ آواره شده اند.

"ادامه جنگ با مخالفت و اعتراض روزافزون توده های خلق مواجه است. اکنون دیگر بدرستی می توان از یک جنبش اعتراضی علیه ادامه جنگ سخن گفت که در سراسر میهن، گسترش می یابد. سازمان ما در شهرها و روستاهای کشور نقش کاملاً موثری در گسترش این جنبش بر عهده گرفته است. شعارها و رهنمودهای ما در مقابل با این جنگ خانمانسوز در میان توده ها نفوذ میکند و با استقبالی روزافزون مردم میهن مواجه است. ما مبارزه در راه بازگرداندن صلح بین دو کشور را در صدر وظایف خود قرار داده ایم. ما بایست بسیج مردم علیه جنگ و برای صلح را باز هم بیشتر گسترش دهیم بایست با زهم بیشتر زیانهای جنگ و مسئولیت هیات حاکمه در تحمیل آن به مردم را افشا کنیم."

(از گزارش هیات سیاسی به پلنوم مهرمه کمیته مرکزی سازمان)

جوانان قربانیان اصلی جنگ

جنگ خانما نسوزایران و عراق بیشترین قربانیان خود را از جوانان می‌گیرد. تاکنون خون صدها هزار نفر از جوانان و دانش‌آموزان در میدانهای جنگ بر زمین ریخته شده است. آیت‌الله خمینی و دیگر رهبران حکومتی بارها از جوانان خواسته‌اند که جان خود را برای گرم نگاه داشتن تنور جنگ فدا کنند. آیت‌الله خمینی می‌گوید: "الان مساله بزرگ ما جنگ است که مشاهده می‌کنید که تقریباً در اکثر جبهه‌ها مشغول آن هستیم. و این جوانها هستند که باید تنور جنگ را گرم نگاهدارند" (را دیو جمهوری اسلامی - ۱۷ مرداد ۱۳۶۲). وزیر سابق آموزش و پرورش آمارتکان دهنده‌ای از اعزام دانش‌آموزان به جبهه‌های جنگ آرایه می‌دهد: "۵۳ تا ۵۷ درصد از نیروهای بسیجی اعزامی به جبهه‌ها، دانش‌آموزان ۱۶ سال به بالای دبیرستان هستند" (کیهان - ۲۵ مرداد ۶۳)، رهبران جمهوری اسلامی می‌گویند جوانان را از خانواده‌ها بکنند، مناسبات بین والدین و فرزندان را تخریب بکنند و با نیرنگ و فریب جوانان را به جبهه‌ها بکشانند و آنها را در میان دین میسن و در با تلاقهای جبهه‌ها به کشتن دهند. آیت‌الله خمینی فتوا داده است:

"تا موقعی که جبهه‌ها نیاز به نیرو دارند در رفتن به جبهه‌ها واجب است و اجازة والدین شرط نیست" (از کتاب استفتائات خمینی).

مسئولین آموزش و پرورش برای اعزام دانش‌آموزان به جبهه‌ها به حیل مختلف متوسل شده و تلاش می‌کنند با دادن وعده و وعید در مورد رفع عقب‌ماندگی درسی و مساله امتحان نظر دانش‌آموزان و خانواده‌ها ایشان را جلب کنند: "باید والدین دانش‌آموزان از رفتن فرزندان خود به جبهه‌ها جلوگیری نکنند و عقب‌ماندگی درسی آنها با ایجاد کلاسهای فوق العاده جبران خواهد شد" (کیهان - ۱۷ مهر ۶۳) و "وزارت آموزش و پرورش همه تسهیلات ممکن را برای جلوگیری از افت

تحصیل دانش‌آموزان عزیزرزمنده فراهم نموده است که از آن جمله شرکت دادن این قبیل دانش‌آموزان در چهار رنوبت امتحانی می‌باشد و علاوه بر آن رزمندگان نیز که در چهار رنوبت نمره حدنصاب قبولی را کسب نکرده‌اند، می‌توانند برای پنجمین بار در امتحان دروسی که نمره قبولی نیاوردند شرکت نمایند" (اطلاعات - ۳ مهر ۶۳). مسئولین آموزش و پرورش در مواردی به دانش‌آموزان روستایی قول قبولی آخر سال را می‌دهند و از آنها می‌خواهند که به جبهه بروند.

سردمداران جنگ طلب حکومت حتی از پول توجیبی ناچیز دانش‌آموزان هم صرف‌نظر نمی‌کنند. مدیرکل امور تربیتی می‌گوید: "۲۵۹ میلیون تومان پول نقد نیز از طرف دانش‌آموزان و کارکنان آموزش و پرورش در سطح کشور به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل کمک شده است" (کیهان - ۲۱ خرداد ۶۳). این رقم کلان را جز با اجبار و دزد و کلک نمی‌توان جمع‌آوری کرد. بعنوان نمونه، در یکی از مدارس نظری هشتپل، دانش‌آموزان را مجبور می‌کنند که هر روز صبح، پول به صندوق کمک به جبهه بریزند و مدیر مدرسه هم بالای صندوق می‌ایستد و نگاه می‌کند که چه کسی پول نمی‌ریزد. در مدارس شهر آستانه کمک به جبهه‌ها موجب افزایش نمره انطباق می‌شود. در مدرسه راهنمایی ابن سینای تهران دانش‌آموزان موظفند که هر روز ۲۰ الی ۵۰ ریال پول در صندوق بریزند، زیرا کمک به جبهه موجب بالا رفتن ۲ نمره انطباق می‌شود. سال به سال بودجه آموزش و پرورش کاهش می‌یابد و بودجه جنگ افزایش پیدا می‌کند. به گفته وزیر سابق آموزش و پرورش: "بودجه‌ای که اختصاص داده شده به آموزش و پرورش بهیچ وجه پاسخگوی نیازی که هست نخواهد بود. برای اینکه (بودجه) این وزارتخانه در سال ۶۱ به میزان ۱۲ میلیارد بود و در سال ۶۲، ۹/۵ میلیارد و امسال ۵/۵ میلیارد" (کیهان ۴ اردیبهشت ۶۳). کاهش بودجه آموزش و پرورش به سود جنگ، پیامدها و نتایج ناگوار و اسفناکی را برای دانش‌آموزان بوجود آورده است. کمبود مدرسه و کاهش آموزشی کاملاً محسوس است. در تهران و شهرستانها بعضی مدارس سه‌نوبتی شده‌است. و به گفته استنادار اصفهان به علت کمبود فضای آموزشی در بعضی مناطق شهر اصفهان، بچه‌ها تا ده سالگی به مدرسه نمی‌روند. بر میزان بیسوادان در سطح کشور روز بروز افزوده می‌شود. مسئولین آموزشی برای جبران کسر بودجه بطور رسمی و غیر رسمی از دانش‌آموزان شهریه اخذ می‌کنند و این در حالیست که "بسیار رندکودگانی که دفتر و مداد خود را در قبال تکلیف نانی می‌فروشند" (کیهان - ۱۷ شهریور ۶۳).

جوانان و دانش‌آموزان میهن ما پیامدهای جنگ را با تمام وجود لمس می‌کنند و علیه ادامه جنگ خاتمان برانداز به مبارزه برمی‌خیزند. امتناع جوانان از رفتن به جبهه، نمونه بارز مبارزه جوانان علیه تداوم جنگ است. این قضیه آنچنان ابعادی پیدا کرده است که نمایندگان هم‌زمان به اعتراف گشوده‌اند: "مشمولین بسیاری به

انواع وانحاء گوناگون از رفتن به سرپای شان خالی کرده، بعضی با زدوبند موفق به دریافت معافیت شده و افراد بسیاری بعنوان فراری به سرپای نمی روند" (راجی نماینده مجلس کیهان ۲۳ مهر ۶۳)

نرفتن جوانان به جبهه به معضل جدی حکومت در پیشبرد جنگ تبدیل شده و رژیم را به اتخاذ تدابیر شدیدتری واداشته است. ژاندارمری، سپاه پاسداران، شهرپای و بسیج محلات نیروی وسیعی را برای به دام انداختن جوانان به کار گرفته اند. ما مورین رژیم مرتبا برای مشمولین احضاریه می فرستند، به خانه ها مراجعه می کنند، پدرها و مادرها را مورد ضرب و شتم قرار می دهند و در مواردی اعضای خانواده را برای تحویل فرزندانشان بازداشت می کنند و بعنوان گروگان نگاه می دارند. ما مورین، محل کار، مناطق رفت و آمد، ورودی و خروجی شهرها را کنترل می کنند، به سینماها، اتوبوسها، محل برگزاری مسابقات ورزشی و دیگر مکانهای تجمع و تردد مردم هجوم می آورند تا جوانان را روی گردان از جنگ را به قربانگاہها بفرستند. با وجود این پیگردهای گسترده، جوانان به شیوه های مختلف از چنگه ما موران می گریزند. مرتبا از تعداد دانش آموزان برای مراجعه و ثبت نام کاسته می شود و رهبران جمهوری اسلامی بیش از پیش خود را در کسب دانش آموزان به جبهه ها ناتوان می یابند.



“قانون خدمت وظیفه عمومی” در خدمت گستران جوانان

رهبران جمهوری اسلامی در مهرماه امسال "قانون خدمت وظیفه عمومی" را به فوریت از تصویب مجلس شورای نگهبان گذرانده و با تهیه آیین نامه های اجرایی در آذرماه به اجرا درآوردند. به گفته رییس اداره نظام وظیفه، مشمولینی که خود را معرفی ننمایند قادر به هیچ کاری در جامعه نیستند. مطابق ماده ۱۵ این قانون برای شرکت در آزمونهای رانندگی و اخذ گواهینامه، دریافت هرگونه وام و کمکهای کشاورزی و صنعتی و دامداری و مسکن، کاندید شدن برای هر نوع انتخابات، صدور پروانه کسب و اجازة اشتغال و عضویت در شرکتهای تعاونی، ثبت هرگونه نقل و انتقال اموال بطور مستقیم و غیر مستقیم در دفاتر اسناد رسمی، استخدام بهر صورت در وزارتخانه ها و موسسات و شرکتهای دولتی و ... باید کارت پایان خدمت ارائه گردد. در ماده ۱۷ قانون آمده است: "در مواقع ضرور ممکن است بنا به مقتضیات یا پیشنهاد شورای عالی دفاع و فرمان فرماندهی کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی (رهبری) مشمولین وظیفه دوره ضرورت بیش از دو سال به خدمت ادامه داده و یا قبل از خاتمه دو سال از خدمت مرخص شوند. مقامات حکومتی با تصویب این قانون اعلام می دارند که جوانان بعد از دو سال خدمت انتظار نداشته باشند که مرخص شوند. طرح مرخصی قبل از پایان دو سال صرفاً پوششی برای نگه داشتن نیروهای جوان در جبهه ها می باشد."

در سالهای اول انقلاب بنا به خواست عمومی مردم، دوره خدمت نظام وظیفه از دو سال به هیجده ماه کاهش یافت ولی سردمداران جمهوری اسلامی زمان دوره اجباری و احتیاط را افزایش دادند. حسن روحانی رییس کمیسیون امور دفاعی بعد از تصویب طرح افزایش مدت سربازی در مجلس گفت: "تصویب این طرح از اعمال یک عده فرصت طلب که با استفاده از قوانین، از تکالیف اسلامی و میهنی شان سرباز می زنند،

جلوگیری خواهد کرد... خدمت زیرپرچم دو سال است... همچنین دور ه احتیاط در این طرح ۸ سال و دوره های ذخیره اول و دوم هریک گده سال است" (کیهان - ۸ دی ماه ۶۲).

برطبق "قانون خدمت وظیفه عمومی" کسانی که تاکنون به علل مختلف معافیت از خدمت نظام وظیفه دریا فت نموده اند به خدمت احضار خواهند گردید و کسانی که به دلایل پزشکی تقاضای معافیت نمایند به قسمتهای غیررزمی و پشت جبهه ها فرستاده خواهند شد. معافیت کسانی که به تحصیل مشغول هستند فقط یک سال است و پس از خاتمه آن باید از نوبت ارایه مدارک اشتغال به تحصیل، تقاضای معافیت جدید نمایند.

برطبق این قانون ارتجاعی، مشمولان غایب زمان صلح که در زمان صلح خود را معرفی نمایند پس از تعیین تکلیف مشمولیت و پیا انجام خدمت دوره ضرورت به مدت شش ماه تا یک سال و مشمولانی که دستگیر شوند به مدت ۲ تا ۴ سال از دریافت کارت پایان خدمت محروم خواهند شد. به گفته رییس اداره نظام وظیفه: "تعداد قلیلی از ا قشار مرغه و راحت طلب جامعه مشاهده می شوند که خود را برای انجام خدمت وظیفه معرفی نمی کنند. فرار از خدمت جرم و در زمان جنگ یک جرم جنایی محسوب می شود... یک سری محدودیت اجتماعی در قانون جدید پیش بینی شده است که به تصویب شورای نگهبان نیز رسیده است."

هدف این قانون این است که دست و پای جوانان علاوه بر غل و زنجیر زندانبانان با حربه قانون هم بسته شود. ولی رژیم نمی تواند با وضع این گونه قوانین جوانان را به جبهه ها بکشد. جوانان مانه تنها از رفتن به جبهه ها خودداری می کنند، بلکه فریاد خود را برای قطع جنگ و استقرار صلح هر روز بلندتر می کنند.

"سیاست ادامه جنگ که توسط رهبران جمهوری اسلامی دنبال می شود سیاستی است ارتجاعی که به سود امپریالیسم آمریکا تمام می شود. ادامه جنگ از طرف هیات حاکمه هم وسیله ای است برای فرونشاندن اعتراض شما و هم وسیله ای است برای سازش با آمریکا و ارتجاع منطقه، با هدف تحکیم حاکمیت ارتجاع بر کشور.

هم میهنان مبارز متحد شوید و با تمام نیرو و امکانات و با استفاده از تمام ابتکارات جلوی ادامه جنگ را بگیرید. از قربانی شدن جوانان در میدانهای جنگ جلوگیری کنید. برای پایان دادن به این جنگ بی فرجام و برقراری آتش بس و صلح، علیه ارتجاع حاکم مبارزه کنید"

(از اسناد پلنوم مهرماه کمیته مرکزی سازمان - پیام کمیته مرکزی سازمان به مردم ایران)

وضع فلاکت بار آوارگان جنگی

از شروع جنگ ایران، و عراق تا کنون بیش از دو میلیون نفر از هموطنان ساکن مناطق جنگ زده از شهرها و روستاهای خود آواره دیگر نقاط کشور شده اند. آنان که داغ عزیزان خود را بردل دارند، در طی این مدت بارنج عظیم در بدری، بی خانمانی و بیکاری دست به گریبان بوده و در معرض انواع تحقیرها، توهین ها و حتی سرکوب قرار داشتند. سردمداران حکومت بارها به آوارگان جنگی با عناوینی بیس اهانت آمیز توهین کرده اند. بر اثر تحریکات آنها، ایادی حکومت چندین بار به مهاجران یورش برده و مرتکب جنایات بیشماری شوند. از جمله به تحریک امام جمعه جیرفت، عوامل رژیم به اردوگاه آوارگان مستقر در این شهر حمله کرده و چند نفر را بطرز فجیعی کشته و اجساد آنها را در رودخانه انداختند. در شیراز نیز بر اثر تحریکات عوامل حکومت، در بین مهاجرین درگیریهای خونین بوجود آمد.

ارگانهای حکومتی دایما فشار خود را علیه جنگ زدگان تشدید می کنند. در حالیکه شهرها و روستاهای مناطق جنگی در معرض بمباران و گلوله باران رژیم صدام قرار دارد، مسئولین حکومتی آوارگان جنگی را مجبور می کنند که به شهرهای خود برگردند. سپاه پاسداران در اسفند ماه سال گذشته به اردوگاه بهشتی شهر مشهد ریخته و به بازرسی خانه های آوارگان جنگی پرداختند و مردان و جوانان را دستگیر نمودند تا به مناطق جنگی برگردانند. گروهی از مردان و جوانان مجبور شدند اردوگاه را ترک کرده و به شهرهای اطراف فرار کنند.

مسئولین حکومتی برای اعمال فشار سیستماتیک به جنگ زدگان جهت بازگشت به خانه و زندگی بر باد رفته اشان، در اسفند ماه سال گذشته اقدام به تشکیل "کمیته بازگشت مهاجرین جنگ زده روستایی و شهری" نمودند تا تحت مسئولیت "بنیاد امور جنگ زدگان" زمینه های

بازگرداندن اجباری آوارگان به مناطق جنگی را فراهم نماید (کیهان - ۶ اسفند ۶۲). رژیم به موازات این اقدام، صدور کوپن ارزاق عمومی برای آوارگان جنگ را قطع کرده و از تسهیلات و امکانات رفاهی اردوگاهها کاست.

رهبان حکومت برای رسیدگی به امور آوارگان و رفع مشکلات و احتیاجات آنان، "بنیاد امور جنگ زدگان" را تشکیل دادند. ولی بنیاد عملاً به مرکز اختلاس و سوءاستفاده‌های کلان تبدیل گردیده است. بودجه این مرکز اختلاس که می‌بایست در خدمت حل مسایل اسکان و اشتغال جنگ زدگان قرار می‌گرفت، به جیب سرپرستان بنیاد و عوامل آن ریخته می‌شود. یک نمونه، اختلاس و رشوه‌خواری نوری کریمی سرپرست سابق بنیاد بود. دزدیهای او آنچنان بالا گرفت که در حدود صد نفر از نمایندگان دوره قبلی مجلس شورا، خواستار برکناری وی شدند. در استیضاح ناطق نوری توسط نمایندگان، کارنامه‌سیاه بنیاد عیان تر گردید.

وضع جنگ زدگان آنچنان وخیم و مصیبت‌بار است که حتی برخی از نمایندگان مجلس شورا زبان به شکایت گشوده‌اند، ایرج صفا تنی‌نما بنده دزفول گفت: "وضع بد اسکان جنگ زدگان بخصوص در استان خوزستان نمی‌تواند بیننده را متاثر نکند. شهرک طالقانی در سر بند در می‌مان کپره‌های گلی و بوی تند فاضلاب که از همه طرف شهرک را احاطه کرده است. شهرک شهید رجایی یکی دیگر از حلی‌آبادهای بنیاد جنگ زدگان است که در بیابان داغ نزدیک ماهشهر مردمی فقیر را در خود جای داده است. شما در عرض چهار سال با صرف میلیاردها تومان بودجه بیت‌المال کذا میک‌از مسایل اسکان و اشتغال را حل کرده‌اید. در دل شهر بوشهر در اردوگاهی به نام دریا بگسی، جنگ زدگان در کثافت می‌لولند...". (کیهان - اول خرداد ۶۳). نماینده‌ها هوازد در مجلس گفت: "در بیشتر شهرکها، حتی در شهرهای بزرگ می‌بینیم هشت نفر از یک خانواده همه در یک اتاق دودر سه‌زندی می‌کنند. حالا منهای چادرهای راه‌میز و شهرک بلال که متأسفانه آقایان آمده‌اند پشت تریبون مجلس و گفته‌اند که ما یک نفر مهاجر نداریم که در زیر چادر زندگی‌کننده‌هایمان الان اگر شما به شهرک بلال در راه‌میز مراجعه کنید، می‌بینید که در حدود ۱۴ هزار نفر در زیر چادر استقامت کامل زندگی می‌کنند" (اطلاعات ۱۳ آبان ۶۳). استان‌داران یلام ضمن تشریح اوضاع رقت‌بار آوارگان این استان گفت: "بنیاد مرکز جنگ زدگان بایده‌شمرنده‌تر باشد که پس از سه سال نتوانست حتی یک نفر را در این مناطق از زیر چادر به داخل یک چهار دیواری قابل سکونت انتقال دهد." (کیهان - ۱۳ بهمن ۶۱)

جنگ زدگان در اردوگاه از لحاظ بهداشتی در وضع بدی به سر می‌برند. عده‌ای از آنان به بیماریهای پوستی، گوارشی و حتی بعلت فشا رزیا دبه بیماری‌های روانی مبتلا می‌شوند. فساد و امراض اجتماعی به جهت فقر و تنگدستی شیوع می‌یابد. زنان شهدا و بیوه‌ها برای پذیرش

صیغه تحت فشا رهستند. مستمری خانوادہ شهدا بتدریج قطع می گردد. تعاونی جنگ زدگان که قبلاً مقداری خوا روبا ربطور سهمیه بندی و رایگان در اختیار آنان قرار می داد، تعطیل شده است. مسئولین حکومت آوارگان جنگی را شدیداً تحت فشار می گذارند تا محل سکونت خود را ترک کنند و این امر به شکل جدی آوارگان تبدیل شده است. بعنوان نمونه از مهاجرین ساکن هتل بین المللی که در اوایل انقلاب مصافحه شده بود، خواسته اند که هر چه سریعتر این محل را تخلیه کنند. ما مورین سپاه و کمیته چندین باره این محل ریخته و جنگ زدگان را مورد ضرب و شتم قرار داده و عده ای از آنان را دستگیر کرده اند. همچنین دولت به مهاجرین ساکن سیدخندان تهران اعلام نمود تا هر چه زودتر محل سکونت خود را ترک کنند.

نمونه بهشتی شهر مشهد نشان می دهد که در بین مهاجرین مقاومت و ایستادگی در مقابل فشا حکومت شکل گرفته است. بدون تردید در آینده نیز شاهد حرکت های اعتراضی وسیعتر این مردم زجر دیده خواهیم بود.

www.iran-archive.com

اعلامیه مشترك

کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

”هفته جنگ“ رابه هفته مبارزه در راه صلح تبدیل کنیم

این جنگ هستی سوز قربانیها، فجایع و بلاهای بی شماری بوجود آورده است. شما رکشته شدگان هردوسوی آتش جنگ به ۳۰۰ هزار تن و شمار معلولین به ۱/۵ میلیون نفر سر می زند. شما را برانیها و عراقیها بی گناه از خانه و کاشانه خود در نوا رمرزی آواره شده اند. از رقم سه میلیون تن می گذرد و میزان خسارت مالی به صدها میلیارد دلار بالغ میشود.

هم میهنان عزیز!

روز ۳۱ شهریور جنگ خانمانسوز ایران و عراق وارد پنجمین سال خود می شود. این جنگی است که ادامه آن به سود برانگیزنده اصلی آن یعنی امپریالیسم امریکا است.

جنگ که با هدف عقیم گزاردن تداوم انقلاب مردمی بهمن ۵۷ از سوی امپریالیسم امریکا به مردم میهن ما تحمیل شد، در ادامه خود به اهرم و دستاویز پیشبرد توطئه ها و نقشه های کوتاه مدت و دراز مدت امپریالیستی در منطقه تبدیل گردیده است. امپریالیسم امریکا به بهانه واهی تهدید ”منافع حیاتی“ با تشدید بی سابقه حضور نظامی خود در خلیج فارس و اقیانوس هند نه تنها استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی ایران، بلکه استقلال دیگر خلقها و کشورهای منطقه و نیز صلح و امنیت جهانی را در معرض خطر واقعی قرار داده است.

این جنگ هستی سوز قربانیها، فجایع و بلاهای بی شماری را بوجود آورده است. شما رکشته شدگان هردوسوی آتش جنگ به ۳۰۰ هزار تن و شمار معلولین به ۱/۵ میلیون نفر سر می زند. شما را برانیها و عراقیهایی که

از خانه و کاشانه خود در نوای مرمری آواره شده اند و در پشت جبهه در شرایط دشوار توان فرسایی زیست می کنند از رقم سه میلیون تن می گذرد و میزان خسارات مالی به صدها میلیارد دلار بالغ می شود.

جنگ، بختک نگرانی و دلهره فراگیری را به جان مردم انداخته است. در بین زحمتکشان کمتر خوانواده ای را میتوان یافت که به سوگواری عزیزی زانوی غم در برنگرفته باشد. صدها هزار مرد و پسر که جوان نوری در جبهه سوزان جنگ دارند با دلهره مرگ بیهوده فرزند دلبند خویش دست به گریبانند.

جنگ موجب در غلطیدن اقتصاد کشور به کام بحران و رشکستگی شده است و وابستگی صنعتی به جهان سرمایه داری تشدید شده و کشاوری با بحران عمیقی روبروست. تورم و گرانی سرسام آور و روبیکاری و مهاجرت فزاینده روستائیان از هستی ساقط شده به شهرهای آمدناگزی را دامه جنگ است. کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان زیر فشارهای اقتصادی ناشی از جنگ دست و پا می زنند.

ادامه جنگ شرایط قدرت گیری و تسلط نیروهای ارتجاعی راستگرا، حاکمان منافع غارتگران کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان را در حاکمیت جمهوری اسلامی فراهم آورده است. جنگ عامل عمده چرخش حکام جمهوری اسلامی به راست و تشدید رژیم ترور و اختناق در کشور است.

به بهانه ادامه جنگ خواستها و اعتراضات توده های مردم و نیروهای انقلابی را با اشکال خشن و غیر انسانی در نطفه خفه میکنند. کارگران که در ارتباط با شرایط سخت زندگی خود دست به اعتراض و اعتصاب می زنند، بازداشت و زندانی میشوند. دهقانان معترض به بازگشت بزرگ مالکان و بازستاندن زمینهای واگذار شده، سرکوب میشوند. خلق کرده خواستار پایان بخشیدن به محرومیت های تاریخی و حراز حق مشروع خود مختاری در چارچوب حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور است، به خاک و خون کشیده میشود.

ادامه جنگ بدون خرید جنگ افزارهای پیشرفته مقدور نیست، بر این اساس رژیم با فروش ارزان نفت، به سوی انحصارات امپریالیستی روی آورده و به مشتری سودرسان سوداگران مرگ تبدیل شده است. تشدید روند وابستگی نظامی به امپریالیسم و بازسازی تاسیسات صنعتی صدمه دیده و ویران شده شرایط ساز زیر شدن سودهای کلان به حلقوم سیری ناپذیر انحصارات صنعتی و نظامی را فراهم میکند. نیاز رژیم برای خرید قطعات یدکی جهت جنگ افزارهای آمریکائی حربه کار سازی در کف امپریالیسم نهاده تا قراردادهای اسارت بار و نابرابری در زمینه های گوناگون نظامی و اقتصادی به کشور ما تحمیل کند.

سران جمهوری اسلامی که بدنبال حملات پیاپی و نافرجهام از پشتیبانی مادی و معنوی مردم، محروم مانده اند و بعلت عدم آمادگی

برای پذیرش صلح ، جنگ را به بن بست نظامی ، سیاسی و اجتماعی کشیده اند ، به این "نتیجه" رسیده اند که پیروزی در میدان جنگ لزوماً با حمایت امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا بدست می آید . از این رو مدت ها است که سیاست خارجی هیات حاکمه با روند بازسازی وابستگی اقتصادی به امپریالیسم و همسویی و همسانی سیاسی با برپاکنندگان و آتش بیاران اصلی جنگ آمیخته است .

پس از گذشت چهار سال از آغاز جنگ ، در شرایطی که ادامه آن به وسیله شومی برای اجرای اهداف و مطامع ماجراجویانه و بلند پروازانه " صدور انقلاب " سردمداران رژیم تبدیل شده است توده های زحمتکش دیگر حاضر به ادامه این جنگ نیستند . موج ناخوشنودی و اعتراض توده های وسیع مردم نسبت به سیاست ادامه جنگ هر روز به اشکال گوناگون بالا میگیرد . اوچگیری روحیه ضد جنگ در میان همه اقشار و طبقات زحمتکش و حتی رده های گوناگون نظامی و بسیج ، با سیاست سرکوب آشکار و پراکندن بذرعیب و وحشت رویاروشده است . کار به جایی رسیده که مقامات دولتی ، از جمله رئیس جمهوری هرگونه "سیاست بازی" به معنی بحث و گفتگو و تفکر در باره علل و دورنما و فرجام جنگ را ممنوع اعلام کرده اند . رسانه های گروهی زیر ساطور شدیدترین سانسور قرار گرفته اند تا مبادا گوشه ای از خواستهای صلح طلبانه توده مردم با زتاب یابند . ولی با وجود این ، رژیم موفق به فرونشاندن روحیه صلح خواهی مردم نشده و نخواهد شد . روزی نیست که جوانان از جبهه ها نگرینند ، روزی نیست که در مراسم سوگواری جوانان و کودکانی که از کارگاهها و مدارس و مزارع به میدانهای مین کشیده شده اند ، شعارهای ضد جنگ داده نشود . روزی نیست که فریاد اعتراض مادران و پدران داغ دیده شنیده نشود . روزی نیست که کارگران و کارمندان به کسریک روز از حقوق ناچیز خود برای جنگ اعتراض نکنند . مردم از کمک به جبهه و رفتن به جبهه خودداری میکنند .

در شرایط کنونی جنگ به عامل کارآمد و موثر پیاده کردن اهداف واپسگرایانه و ضدملی رژیم تبدیل شده است . ادامه جنگ نتیجه ای جز ژرفش و گسترش سیاست ضددموکراتیک و استقلال بر بادده ، جز تشدید روند بحران اجتماعی و اقتصادی و تحکیم وابستگی نظامی و اقتصادی به امپریالیسم ، جز استوار شدن مواضع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و دیگر یغماگران داخلی و خارجی ، جز غارت دسترنج ناچیز کارگران و دهقانان و گوشت دم توپ کردن فرزندان توده های محروم ندارد .

پیآمدهای فاجعه بار این جنگ نه تنها دامنگیر نسل امروز بلکه نسلهای آینده ایران نیز هست . سیاست "اقتصاد جنگی" و غیره سراپای هستی جامعه را در خدمت اهداف توسعه طلبانه و ماجراجویانه حکام ارتجاعی گذاشته است .

هم میهنان عزیز!

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از همان آغاز جنگ موضع اصولی، قاطع و عمیقاً مردمی و ضد امپریالیستی نسبت به جنگ داشته اند و در حال حاضر نیز دارند. توده ای ها و فدائیان برای انجام وظیفه ملی و میهنی خویش قهرمانان سه و دوشادوش مردم درسنگرهای خونین و مقدم جبهه علیه اشغالگران رزمیده اند و از هیچگونه ایثار و فداکاری فروگذار نکردند. هیچکس نمیتواند حماسه آفرینیها و نقش تعیین کننده افسران میهن پرست همانند فضلایها، کبیریها، وعطاریانها را در روزهایی که جنگ در خاک میهن ما جریان داشته نادیده انگارد. فاتحان میدانهای جنگ که به دست حکام ارتجاعی به جرم میهن پرستی به جوخه های اعدام سپرده شدند.

با درهم شکستن نقشه مهاجمین، حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به حق خواستار پایان جنگ شدند. شعار پایان جنگ که به گونه ای ژرف با منافع و سیاست ارتجاع حاکم در تضاد بود، یکی از عوامل عمده یورش سبانه به حزب توده ایران و سپس سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) شد. ولی گذشت زمان و واقعیت سرسخت زندگی حقانیت شعارها و پیشنهادهای ما را ثابت کرد و نشان داد که اادامه جنگ تنها به زیان خلقهای ایران و عراق و بسود امپریالیسم آمریکا است.

در لحظات حساس و سرنوشت ساز کنونی، جنگ بعنوان عمده ترین عامل تهدید استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی میهن ما بشمار می آید. در چنین اوضاع و احوالی است که رژیم هر سال "هفته جنگ" برگزار میکند و با تبلیغات پر دامنه پیرامون شعار "جنگ، جنگ تا پیروزی" و در پرده نگهداشتن اهداف واقعی خویش از اادامه جنگ به منظور توجیه سياهکاریهای خود استفاده میکند.

مبارزه علیه مداخله امپریالیسم و مبارزه علیه نیروهای واپسگرا و آزادی کش حاکم عمیقاً و ماهیتاً با شعار توده ای "ما صلح میخواهیم نه جنگ" پیوند دارد. حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همه احزاب و سازمانهای ضد امپریالیست و مترقی و همه نیروها و شخصیتهای ملی و میهن پرست را فرا میخوانند تا یکپارچه و یکصدا، دوشادوش توده های زحمتکش که بار اصلی را بردوش دارند، همه توان خویش را بکار گیرند تا "هفته جنگ" را به هفته مبارزه در راه صلح و هفته افشاکاری اهداف رژیم از اادامه جنگ تبدیل کنند. اتحاد مبارزه، یگانه ضامن ناگزیر ساختن هیئت حاکمه به ختم جنگ و پذیرش صلح است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شهریور ۱۳۶۳

"امپریالیسم خواهان ادامه جنگ ایران و عراق است تا مواضع خود را در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه و در کشور ما مستحکم سازد. ادامه جنگ وسیله‌ای در دست ارتجاع حاکم برای سازش با امپریالیسم و تحکیم حاکمیت طبقات ارتجاعی بر کشور است.

برقراری صلح بین دو کشور همسایه ایران و عراق بر اساس اصول عدم تجاوز، احترام به تمامیت ارضی دو کشور، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر و حل مسالمت آمیز اختلافات فیما بین ضربه محکمی به توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع در کشور و در منطقه است.

مردم ایران از ادامه این جنگ متنفرند. صلح مبرمترین خواست مردم است. جنبش اعتراضی علیه جنگ هر روز پرمناز تر میشود و به فراگیرترین و نیرومندترین جنبش مطالباتی مردم فرا می‌روید.

قطب‌نامه "وضع سیاسی، جنبش‌شده‌ای و وظایف ما" - بلنوم
مهر ماه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۲۲ بهمن ۱۳۶۳